

# فرهنگ

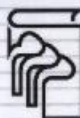
ویراست سوم

# علوم انسانی

با بازبینی سراسری  
و افزودن ۱۹۰۰ درآیند تازه

داریوش آشوری

انگلیسی - فارسی



# فرهنگ علوم انسانی

با بازیابی سراسری و افزودن ۱۹۰۰ درآیند تازه

داریوش آشوری



نشر مرکز

فرهنگ علوم انسانی

انگلیسی - فارسی

داریوش اشوری

طرح جلد: ابراهیم حقیقی

حروف چینی، صفحه‌آرایی و نمونه‌خوانی: بختی تولید نشر مرکز

© نشر مرکز چاپ اول ۱۳۷۴، چاپ دوم ۱۳۷۶، چاپ سوم ۱۳۸۱،

چاپ اول ویراست دوم ۱۳۸۴، چاپ دوم ویراست دوم ۱۳۸۹، چاپ اول ویراست سوم ۱۳۹۲،

چاپ هفتم (چاپ دوم ویراست سوم) ۱۳۹۵،

شماره‌ی نشر ۲۴۳، ۵۰۰ نسخه، چاپ ناجیک

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۳۰۵-۸۶۵-۴

نشر مرکز: تهران، خیابان دکتر فاطمی، روبه‌روی هتل لاله، خیابان پانجاهم، شماره‌ی ۸

تلفن: ۳-۴۶۲۰۴۶۷۰۸۸۹۷۰ فاکس: ۸۸۹۶۵۱۶۹

Email: info@nashr-e-markaz.com

همه‌ی حقوق محفوظ است.

تکثیر، انتشار، بازنویسی و ترجمه‌ی این اثر یا قسمتی از آن به هر شیوه از جمله: فتوکپی،  
الکترونیکی، ضبط و ذخیره در سیستم‌های بازیابی و پخش بدون دریافت مجوز کتبی و قبلی از  
ناشر ممنوع است.

این اثر تحت حمایت قانون حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان ایران قرار دارد.

سرشناسه اشوری، داریوش، ۱۳۱۷-

عنوان و نام پدیدآور: فرهنگ علوم انسانی: انگلیسی - فارسی / داریوش اشوری

مشخصات ظاهری: ۵۴، ۱۵۱ ص

موضوع: علوم انسانی - واژه‌نامه‌ها - انگلیسی: علوم اجتماعی: زبان انگلیسی - فارسی

رده‌بندی کتاب: ۱۳۸۲ / ۲۴۷ / ۴۹ / H

رده‌بندی دیوید: ۳۰ / ۳۱

شماره‌ی کتاب‌شناسی ملی: ۱۶۵۷۰-۸۲

پیشکش به همسر - ام، بهجت  
به پاس بزرگواری‌ها و فداکاری‌های‌اش

30BOOK

## درآمد به ویراستِ سوّم

آنچه به نام ویراستِ سوّم فرهنگِ علوم انسانی منتشر می‌شود دنباله‌ی پروژه‌های ست که حدود چهل سال پیش آغاز کردم و نخستین دست‌آورد آن با نامِ واژگانِ فلسفه و علوم اجتماعی از سوی نهادی به نام پژوهشگاه علوم انسانی در سال ۱۳۵۵ منتشر شد. آن گام نخستین - که در «درآمد» نشر یکم این فرهنگ گزارشی کوتاه از داستان آن داده ام - گردآوری واژه‌هایی بود که مترجمان در ترجمه‌ی متن‌های قلمرو فلسفه و علوم اجتماعی، از انگلیسی و فرانسه، در برابرنامه‌ی پایان کتاب‌ها یا در پای صفحه‌ها در برابر واژه‌های اصلی نهاده بودند. اما این پروژه چنان که در همان «درآمد» شرح داده ام، در گامِ پسین به یک کار پژوهشی دور-و-دراز کشید که تا به امروز ادامه داشته است. یعنی، بازاندیشی آن گردآورده‌ها و ارزیابی چند-و-چون آن‌ها، و از آن جا چاره‌اندیشی برای نارسایی‌ها و کم-و-کاستی‌های زبان فارسی برای پاسخگویی به نیازهای زبانی ما در قلمرو علوم انسانی مدرن.

از این رو، این واژه‌نامه یک فرهنگِ دوزبانه به معنای آشنای آن نیست که کار آن گردآوری مایه‌های فرادستِ زبان و نهادن آن‌ها در برابر واژه‌ها در زبان دیگر باشد. بلکه، چنان که در «درآمد» ویراستِ یکم گفته ام، رهیافتی ست سنجشگرانه از دیدگاهی تاریخی به زبان نوشتاری فارسی در میدانِ درگیری با زبان پیشاهنگ مدرنیّت در روزگار ما، یعنی انگلیسی، در قلمرو علوم انسانی. یک سو به‌ی این نگرش تاریخی درنگ در چند-و-چون رابطه‌ی انسانِ مدرن با زبان است، به‌ویژه از دیدگاه نیازهای نظری این پروژه. یعنی، کند-و-کاو در این جهت که بینش ابزارانگارِ (instrumentalist) نسبت به زبان چه گونه راه توانایی تولیدِ انبوه واژگان برای

نیازهای علمی و فنی در همه‌ی زمینه‌های زندگی در جهان مدرن راگشوده است. سویی‌های دیگر آن درنگ در کار زبان فارسی است. یعنی، درنگیدن در این که این زبان با چه توانمندی‌های آشکار و نهفته، و نیز کاستی‌ها، ناگزیر به میدانِ درگیری با جهان مدرن و زبان‌های پیشاهنگ آن کشیده شده است. برای این سنجش، از سویی، می‌باید به شناخت و ارزیابی سرمایه‌ی واژگانی این زبان در بسترِ امکاناتِ دستوری آن پرداخت، که برای توسعه‌ی واژگان ضروری است. از سوی دیگر، نگرش به تاریخ فرهنگی آن و به این که در دوران پرورش و گسترش‌اش در بسترِ فرهنگِ اسلامی و رویارویی و درآمیختگی با زبانِ عربی چه زیر- و-بالاها و دگرذیسی‌هایی را از سر گذرانده است. نگرش به تاریخ فرهنگی زبان ما را یاری می‌کند که دریابیم روان‌شناسی اجتماعی سخنگویان به این زبان و عادت‌های نوشتاری چه سدهایی بر سر راه بازاندیشی و بازسازی زبان می‌گذارد. با این نگرش است که می‌توانیم به درنگ در معنای چرخش زبانی‌ای برسیم که بر اثر برخورد ناگزیر با جهان مدرن و زبان‌های اصلی آن - نخست زبان فرانسه و سپس زبان انگلیسی - پیش آمده است. فهم علمی چند- و-چون کوشش‌هایی که تا کنون برای بازنگاری زبان فارسی با نیازهای زبانی زیست در فضای جهان مدرن و بنیادها و روندهای علمی و تکنولوژیک و سیاسی و اقتصادی و فرهنگی آن شده است، برای یافتن روش‌هایی درنگیده و سنجیده برای سیاست توسعه‌ی زبان ضروری است.

از این نکته هم این جا یاد می‌باید کرد که، فرقی ست اساسی میان این گونه نگاه سنجشگرانه، و نیز آسیب‌شناسانه، در پرتو نگرش تاریخی به زبان، با نگاهی که زبان را «همین است که هست» می‌بیند و بس. یعنی، دیدِ چیره بر فضای دانشگاهی و بیرون از دانشگاه ما نسبت به زبان. اما دیدگاه پژوهشی پژوهشی این فرهنگ - که هدف آن پاسخگویی به مسأله‌ی چالش زبانی جهان مدرن است - ناگزیر فراتر می‌رود از ساحت آن گونه نگاه زبان‌شناسانه که رهیافت همزمانی (synchronic) نامیده می‌شود. این گونه نگاه، در همه‌ی زمینه‌های پژوهش برای شناخت علمی، رهیافت سوژه‌ی علمی ست نسبت به یک اَبژه برای شناخت چند- و-چون آن. که در این باب همانا زبان است. اما برای کاربرد اَبژه در جهتی با نیتی آگاهانه، مانند کاری که جامعه‌ی علمی ایرانی برای سر- و- سامان دادن به واژگان علمی خود در پیش دارد،

درآمد به ویراست سوم

نگاه تاریخی، یا «زمان‌سپار» (diachronic)، می‌باید نگاه همزمان‌نگر چسبیده به «همین‌که هست» را اصلاح و کامل کند.

همچنین، شناخت علمی، در خود و برای خود، بری از ارزش‌گذاری است. عینیت‌جویی (objectivism) علمی چنین می‌طلبد. اما کاربرد ابزاری آبرزه ناگزیر ارزیابی چند-و-چون آن، یعنی مایه‌ها و توانمندی‌ها، و نیز ناتوانی‌ها و کم-و-کاستی‌های‌اش را در بردارد. این جاست که، برای مثال، کاربرد زبان در خدمت رهیافت شاعرانه و هنرمندانه به آن، در برابر کاربرد آن در خدمت علم، کمابیش سنجه‌های ارزشی ضد هم می‌طلبد. در رهیافت شاعرانه و هنرمندانه ارزش‌های زیباشناسیک (استتیک) به میدان می‌آیند، و در کاربرد علمی و فنی ارزش‌های سنجیدگی مفهومی و کارآمدی ارتباطی برای رسانش مفهوم‌ها.

از دیدگاه علمی بریان همان است که در میان یک جامعه‌ی زبانی رواج دارد و اهل زبان با آن با یکدیگر در رابطه اند. و کار پژوهنده شناخت آن است و بس، بی‌هیچ سفارشی در باب چه‌گونگی کاربرد آن. فرهنگ‌نویسی به معنای عرفی کلمه نیز پی‌رو همین اصل است. ولی سیاست توسعه‌ی زبانی برای پاسخگویی به چالش جهانی زبان‌های مدرن با زبان‌های پیشامدرن، می‌کوشد با شناخت منابع زبانی در گستره‌ی تاریخی آن، به یاری روش‌ها و تکنیک‌های گسترش واژگان، برنامه‌ی توسعه‌ی زبان را پیش برد. آنچه این فرهنگ در پیش گرفته است برنامه‌ی است در همین جهت. یعنی، بالاندن زبان فارسی در جهت پاسخگویی به چالش زبانی جهان مدرن. از این‌رو، پایه‌ی کار آن بر پرسش از توانمندی‌های آشکار و همچنین نهفته و کم‌کاربرد این زبان است برای گسترش دامنه‌ی واژگان آن و کاستن از تنگناهای زبانی در جهت مدرنگری آن.

آنچه اینک در دست دارید، با در حساب آوردن آن کار پایه‌ای نخستین، که گردآوری برابرنهادهای واژه‌های انگلیسی و فرانسه به نام هر یک از مترجمان آن متن‌ها بود، به‌راستی، نه ویراست سوم فرهنگ علوم انسانی، بلکه «نسل چهارم» این سلسله فرهنگ‌هاست. زیرا هر بار، بر اساس تجربه‌های به دست آمده، هر ویراست از نو بازمینی شده و در هر بازمینی دو-سه هزار درآیند تازه بر آن افزوده شده است. همچنین شماری از آنچه که چندان جایی در چنین فرهنگی ندارد حذف شده است.

از سوی دیگر، بخش چشمگیری از هر ویراست در بازبینی‌ها اصلاح یا تکمیل گشته است. در نتیجه، همچنان که ویراستِ دوم هم از نظر کیفیت و هم کمیت، نسبت به ویراستِ یکم تفاوت چشمگیری دارد، ویراستِ سوّم نیز نسبت به ویراستِ دوّم همین گونه است. از این رو، به همه‌ی کسانی که با این فرهنگ سر-و-کار دارند و آن را می‌پسندند و واژه‌های پیشنهادی آن را به کار می‌برند، سفارش می‌کنم که این ویراستِ آخرین را پایه قرار دهند. زیرا آنچه در آن بازبینی و اصلاح یا تکمیل شده کم نیست، و اصلاح و تکمیل شده‌ها بخشی از سترگ‌ترین واژگانِ فنی این فرهنگ را در بر دارد.

طبیعی ست که کسانی که به این فرهنگ روی می‌آورند به دنبال آن باشند که نیازشان به برابرنهادهای واژگانی در ترجمه یکباره برای همیشه برآورده شود. حال آن که بازبینی‌های چندباره‌ی من چه بسا اسبابِ زحمت‌شان باشد. با پوزش از بابتِ رنجی که چنین کسانی می‌برند، نظرشان را به این نکته فرامی‌خوانم که، از نظر من، آنچه چنین بازبینی‌هایی را روا می‌کند آن است که ما هنوز به یک دستگاه واژگانی جاافتاده و سنجیده‌ی همگان پذیر نرسیده‌ایم. و گذشته از آنچه تاکنون پاسخ‌نیافته بر زمین مانده است، بخش نه چندان اندکی از آنچه تاکنون پیشنهاد کرده‌ایم و به کار برده‌ایم نیز از نظرِ درستی یا سنجیدگی و رسایی هنوز نیازمندِ بازبینی و سنجشگری ست. بر این اساس، در این ویراست در گروهی از واژگانی که در ویراستِ دوّم آمده بود، بازبینی‌هایی کرده‌ام، که از چند نمونه‌ی آن یاد می‌کنم:

– در ویراستِ یکم و دوّم در برابرِ antinomy «خلاف‌آمد» گذاشته بودم. اما با درنگِ دوباره و چند باره بر سرِ این ترمِ اساسی در شناخت‌شناسی کانت، به نظر-ام رسیده است که «خلاف‌پذیری» برابرنهادیِ رساتری ست، به‌ویژه برای معنای کانتی واژه. او این ترم را برای گزاره‌هایی به کار می‌برد که از نظر اعتبارِ منطقی با خلافِ خود در یک رده قرار دارند. زیرا گزاره‌های متافیزیکی اند و هیچ‌یک را نمی‌شود مانند گزاره‌های علمی با استدلال یا با تجربه به سودِ پذیرش منطقی دیگری باطل کرد. از این رو، در این ویراست «خلاف‌پذیری» را در برابرِ آن گذاشته‌ام.

– برای marginal، به معنایی که در علم اقتصاد به کار می‌رود، همان برابر نهادی نهایی را پذیرفته و گذاشته بودم که از زبانِ استادِ اقتصادمان در دانشکده‌ی حقوق



شنیده بودم. که هنوز هم در متن‌های اقتصادی فراوان به کار می‌رود. رواج «نهایی» در برابر marginal، به گمان من، نمونه‌ی گویایی است از برخورد ناسنجیده با زبان و ترم‌شناسی و پاسخگویی شتابزده به نیازهای زبانی یا واژه‌های دم دست بر پایه‌ی عادت‌های دیرینه‌ی نوشتاری. در نتیجه، برای مثال، marginal utility را «فایده‌ی نهایی» یا «مطلوبیت نهایی» ترجمه می‌کنیم که، با اگرچه رواج دارد، به نظر من، واگردانی سنجیده از این مفهوم نیست. برای رسیدن به برابرنهاده‌ای سنجیده‌تر و رساتر، اگر رابطه‌ی marginal را با margin (به معنای لبه، حاشیه، مرز) در نظر بگیریم، با اندکی جسارت و آشنایی با ساز و -کار دستوری زبان فارسی، می‌توانیم «مرزانه» را در برابر آن به کار ببریم، به معنای در سر مرز (برای مثال، در مرز میان سود و زیان). مرزانه اگرچه مشتق تازه‌ای است از مرز که در نگاه نخست چه بسا غریب به نظر آید، اما زود و آسان می‌توان معنای آن را دریافت و به وجود آن عادت کرد. باری، اگر خواهان واژگان سنجیده‌تر و رساتر برای زبانمایه‌ی علمی باشیم، این گونه نوآوری‌ها در زبان ضروری است. از این رو، در این ویراست در ترم‌های اقتصادی «مرزانه» را به جای «نهایی» گذاشته‌ام. چنان که marginal intelligence را هم، که در ویراست یکم به «هوش لب مرز» برگردانده بودم، در ویراست دوم به «هوش مرزگاهی» بدل کرده‌ام که ساختار واژگانی جمع - و - جورتر و قلم‌گونه‌تری دارد.

- در این ویراست راه تازه‌ای برای نشان دادن رابطه‌ی سریالی برخی از رده‌های واژگانی به نظر - ام رسیده است، مانند واژه‌هایی که رده‌بندی لایه‌های سنی ده - دهی جمعیت را باز می‌گویند:

quinquagenarian(s)	پنجاهانه (گان) [ = پنجاه - شصت ساله ]
sexagenarian(s)	شصتانه (گان) [ = شصت - هفتاد ساله ]
septuagenarian(s)	هفتادانه (گان) [ = هفتاد - هشتاد ساله ]
octogenarian(s)	هشتادانه (گان) [ = هشتاد - نود ساله ]
nonagenarian(s)	نودانه (گان) [ = نود - صد ساله ]

چنان که در «درآمد» ویراست یکم گفته‌ام، در این کار از قلمرو واژگان حرفه‌ای و فنی علوم انسانی به برخی واژگان حاشیه‌ای و یا در قلمرو علوم طبیعی نیز سریده‌ام، زیرا به گونه‌ای با علوم انسانی و محیط زیست انسان سر - و - کار دارند. و یا رهیافت تازه برای یافتن برابرنهاده‌های سنجیده‌تر و رساتر انگیزه‌ی من در این کار بوده است.

**A Dictionary for**

# **H u m a n S c i e n c e s**



ISBN: 978-964-305-885-4



9 789643 058654

۴۶۷۰۰ تومان

Third edition

Daryoush Ashouri

**English-Persian**